

■ بازتاب و پیامدهای خارجی جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

حسن زندیه | علی قنوتی

چکیده

هدف: پاسخ به این سؤال که حکومت پهلوی تا چه حد توانست در بعد بین‌المللی به اهداف خود از برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله دست پیدا کند.

روش / رویکرد پژوهش: تحلیل تاریخی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سندی.

یافته‌ها: برخی جراید و سران و رهبران کشورها به تعریف و تمجید و برخی به انتقاد جشن‌ها دست زدند. «کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی» به اقدامات متعددی در مخالفت با جشن‌ها دست زد. به نظر می‌رسد که برگزاری این جشنها و حضور سران کشورها در آن بر منزلت بین‌المللی محمدرضا شاه افزوده باشد

کلیدواژه‌ها

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی / کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و چهارم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۳)، ۲۴-۳۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۷

بازتاب و پیامدهای خارجی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

حسن زندیه^۱ | علی قنواقی^۲

مقدمه

طرح برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، ابتدا در ۱۳۳۷، از سوی شجاع‌الدین شفا، معاون فرهنگی دربار شاهنشاهی مطرح شد. در این تاریخ، که تنها پنج سال از کودتای ۲۸ مرداد می‌گذشت، در واقع، شاه سستی و بی‌ثباتی حکومتش را در سال‌های نخست‌وزیری مصدق از یاد نبرده بود و با طرح برگزاری جشن‌های شاهنشاهی موافقت کرد با این امید که از این طریق بتواند به همگان یادآور شود که آیین و سنت شاهنشاهی، آیین همیشگی ایران‌زمین بوده و خواهد بود. به گمان او، تحقق این طرح می‌توانست تا حدود زیادی استحکام بیشتر حکومت را به دنبال داشته باشد.

با تصویب طرح برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی توسط محمدرضا شاه، تمامی وابستگان حکومت پهلوی در صدد انجام این طرح برآمدند. آنها تمام تلاش خود را برای تحقق رویای شاهنشاه به کار گرفتند. نهادها، سازمان‌ها، و وزارتخانه‌های دولتی و سایر سازمان‌های مربوط از دربار گرفته تا کوچک‌ترین عضو دولتی، در این کار به مشارکت و تلاش پرداخته و شوراهای مختلفی در این زمینه تشکیل شد. با وجود اینکه جشن‌های مذکور قرار بود در سال ۱۳۴۰ برگزار شود، پس از چندین بار به تعویق افتادن، سرانجام در ۱۳۵۰ به اجرا درآمد و رویای شاه با دعوت از بسیاری از سران و رهبران کشورها محقق گردید. حکومت پهلوی، با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در پی رسیدن به اهداف مختلفی بود؛ که در بعد داخلی می‌توان به تلاش حکومت برای مشروعیت بخشی به خود اشاره کرد.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران؛
(نویسنده مسئول)

Hasan Zandieh@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی؛
Ali.Gh19@yahoo.com



اما در بعد خارجی باید دانست که یکی از اهداف برگزاری این جشن‌ها دستیابی به وجهه بین‌المللی برای حکومت پهلوی جهت کسب عنوان ژاندارمی منطقه بود. کمیته‌های بین‌المللی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، در بسیاری از کشورهای دنیا، به تبلیغات گسترده در باب این جشن‌ها دست زدند. این مقاله در پی بررسی پیامدهای خارجی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و پاسخ به این پرسش است که حکومت پهلوی تا چه حد توانست در بعد بین‌المللی به اهداف خود در برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله دست پیدا کند. بنا بر فرضیه این مقاله، به نظر می‌رسد که برگزاری این جشن‌ها و دعوت از سران کشورها برای حضور در آن، بر منزلت بین‌المللی محمدرضا شاه افزوده باشد. در این مقاله، همچنین، به بررسی عملکرد و اقدامات دانشجویان خارج از کشور و نیز چگونگی رویکرد مطبوعات و سران کشورها در باب جشن‌های ۲۵۰۰ ساله پرداخته می‌شود.

روش پژوهشی این مقاله توصیفی-تحلیلی است و از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. بررسی روزنامه‌ها، نشریات، و اسناد آرشیوی از ملزومات پژوهش‌های تاریخی مرتبط با دوره معاصر است که این امر در این مقاله نیز مورد توجه قرار گرفته است.

کمیته‌های بین‌المللی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

تشکیل کمیته‌های بین‌المللی برای آگاهی خارجیان و توجه آنها به مسئله جشن‌های شاهنشاهی ایران یکی از مهم‌ترین اقدامات شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی بود. اگر به این نکته توجه شود که چهل سال پیش، یعنی زمان برگزاری جشن‌های شاهنشاهی، انتقال اطلاعات از یک کشور به کشور دیگر بسیار کندتر از زمان حال بوده و از سویی شبکه اینترنت جهانی وجود نداشت، در آن صورت می‌توان به اهمیت تشکیل این کمیته‌های بین‌المللی پیش از پیش پی برد. ریاست کمیته‌هایی که در کشورهای خارجی تشکیل می‌شد، معمولاً برعهده یکی از شخصیت‌های مهم آن مملکت اگر نتوان گفت مهم‌ترین و بالاترین شخصیت سیاسی - گذاشته می‌شد. هرچند این ریاست‌ها جنبه افتخاری داشت، از لحاظ تبلیغاتی بسیار مفید بود. البته، بعضی از رهبران سیاسی کشورهای جهان غرب، ضمن ستایش روحیه ناسیونالیستی و میهن‌پرستی محمدرضاشاه، با زبان دیپلماتیک از پذیرفتن این مسئولیت طفره می‌رفتند؛ و برخی دیگر «پس از دریافت امتیازاتی از ایران مفتخر بودند که سهم کوچکی در آن جشن غرور آفرین شاهنشاه» برعهده گرفته‌اند (مازند، ۱۳۷۳، ص ۵۳۹).

گاهی پذیرفتن این ریاست از سوی خارجی‌ها سبب می‌شد که شخصیت‌های سیاسی



ایران نیز در موقع برگزاری جشن از سوی کشورهای خارجی، ریاست افتخاری کمیته‌های آنها را برعهده گیرند؛ چنانچه فرح پهلوی به همکاری مؤثری در جشن دویستمین سال استقلال ایالات متحده پرداخت و در واقع اقدام بانوی اول آمریکا را هنگام برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله جبران نمود. (پاشا صالح، ۲۵۳۵، ص ۱).

اما نکته‌ای که دارای اهمیت است اینکه جشن‌ها همواره به تعویق می‌افتاد. این تعویق ده‌ساله - به علت مضیقۀ مالی دولت بود (متما، ۴-۱۹-۱۲۱ ش، ص ۱) - سبب می‌شد که رهبران برخی کشورها از پذیرفتن ریاست این کمیته‌ها طفره برونند، چنانکه «کندی» رئیس جمهور آمریکا به این کار اقدام ورزید. در واقع، درست‌تر این بود که ابتدا تاریخ دقیق برگزاری مراسم مشخص می‌شد و سپس از رؤسای کشورها پذیرفتن ریاست کمیته‌ها را خواستار می‌شدند. به هر حال، نخستین کمیته که بعداً سرمشق سایر کمیته‌ها شد، در ۱۳۳۹ در پاریس ایجاد شد (متما، ش ۲-۲-۱۷۱ الف، ۱۳۴۹/۳/۸، ص ۱۰۶). به گفته شجاع‌الدین شفا، رئیس کمیته امور بین‌الملل و سخنگوی جشن‌ها، در ۵۲ کشور کمیته کوروش کبیر به ریاست سران کشورها تشکیل شد که تعداد اعضای آنها به بیش از ۱۵۰۰ نفر می‌رسید. در باب کارهای انجام شده در کشورهای مختلف، از سوی شجاع‌الدین شفا به این موارد اشاره شد: برپایی ۱۴۳ نمایشگاه هنر ایران و کتاب‌ها و اسناد خطی، ۳۲۶ کنگره، سمینار و سمپوزیوم، چاپ ۱۳۱ کتاب ویژه به زبان‌های مختلف، انتشار بیش از یکصد شماره مجلات علمی و خاورشناسی، انتشار تمبرهای مخصوص، نام‌گذاری میدین و خیابان‌ها، شرکت ۶۰۰ دانشگاه و فرهنگستان در این بزرگداشت، شرکت کمیسیون‌های ملی یونسکو در ۱۲۷ کشور جهان به منظور شرکت وسیع جهانی در تجلیل از فرهنگ ایران (روزنامه کیهان، ش ۸۴۸۱، ص ۲۱). هرچند در برخی موارد، اقدامات شورای مرکزی جشن‌ها در باب دعوت از سران و ایران‌شناسان خارجی با ناکامی مواجه می‌شد، چنانچه در مورد دعوت از ایران‌شناسان کابل این مشکل وجود داشت (متما، ۳-۴-۱۲۱ ش، ص ۳)؛ اما به طور کلی می‌توان گفت که حکومت پهلوی موفق شد تا بیشتر رؤسای کمیته‌ها را از رؤسای کشورها تعیین کند. البته، در کنار رؤسای کشورها، افراد برجسته دیگری نیز از همان کشورها در این کمیته‌ها حضور داشتند. برای مثال، در انگلستان، ریاست عالیۀ کمیته برعهده پرنس فیلیپ، همسر ملکه بود و در کنار او رؤسای مجلس لردها و مجلس عوام، وزیر امور خارجه و چند تن دیگر از وزیران، رئیس کل تشریفات سلطنتی، شهردار لندن، رئیس آکادمی سلطنتی انگلستان، عدۀ زیادی از استادان دانشگاه‌ها و رؤسای موزه‌ها، و مدیران برخی روزنامه‌ها در کمیته حضور داشتند (روزنامه فرمان، ش ۵۳۱۵، ص ۵). باید دانست که قرار شد پرنس فیلیپ و دخترش پرنسس «آن» در هنگام برگزاری جشن نیز به نیابت از ملکه الیزابت دوم راهی ایران شوند (مراسان، ۶-۱۲۰۸۱، ص ۱۰۰).



علاوه بر این، لوح کوروش به همه زبان‌های رسمی کشورهای عضو سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۱ ترجمه شد (Suren-Pahla, 1999, p.3v). از طرف این سازمان، دو لوح کوروش یکی در تالار کمیسیون حقوق بشر در مرکز اصلی این سازمان در نیویورک و دیگری در مرکز اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو با مراسم خاصی نصب شد (الموتی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۱). درباره لوح کوروش استنباط‌های حقوق بشری زیادی می‌توان کرد. برخی از این استنباط‌ها عبارت‌اند از: لزوم اجتناب از شکنجه و خونریزی، لزوم اتکا به مردم در حکومت، اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌جویی، جلوگیری از ایجاد حکومت وحشت و اختناق، از بین بردن بردگی و برده‌داری، حق برخورداری از حمایت اجتماعی، احترام به تمام ادیان و مذاهب، حق برخورداری از صلح و آرامش («اعلامیه حقوق بشر»، ۱۳۸۰، ص ۷۹). بیشتر این موارد در حکومت پهلوی قابل یافت نبود، به‌ویژه اینکه اتکا به مردم و نیز جلوگیری از حکومت وحشت و شکنجه و اختناق در حکومت پهلوی یافت نمی‌شد. به هر حال، نسخه‌ای از منشور آزادی کوروش از طرف اشرف پهلوی به «اوتانت»، دبیرکل سازمان ملل متحد اهدا شد. اشرف، ریاست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را از سال ۱۳۴۸ بر عهده داشت. در این سال، تهران میزبان اجلاسیه حقوق بشر بود. در جلسه افتتاحیه به پیشنهاد نمایندگان فرانسه، اوکراین، سنگال و یوگوسلاوی ضمن تجلیل از اشرف پهلوی، خواسته شد که وی به ریاست کمیسیون انتخاب گردد که به اتفاق آراء تصویب شد (فرهمند، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳).

باید گفت که فعالیت‌ها و اقدامات گوناگونی از سوی کمیته‌های بین‌المللی جشن‌ها در کشورهای خارجی صورت پذیرفت که ذکر همه این آنها در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. اما می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد. برای مثال، در آفریقای جنوبی موزه دائمی «رضاشاه کبیر» افتتاح شد (روزنامه کیهان، ش ۸۴۷۵، ص ۲۶). نمایشگاه جشن‌های شاهنشاهی در ۱۴ مهر ۱۳۵۰ در اتریش و به‌وسیله رئیس‌جمهور این کشور گشایش یافت. در مغرب، تمبر یادبود به مناسبت جشن‌ها پخش می‌شد (روزنامه آیندگان، ش ۱۱۵۴، صص ۳ و ۳۹). در سوئیس، نمایشگاه گنجینه هنری ایران قدیم، به مدت ۱۴ ماه دایر بود. این امر سبب اشتیاق پیربارد، مسئول تنظیم برنامه «انسان در جست‌وجوی گذشته خویش»، به ساخت برنامه‌ای برای معرفی مدنیت ایران شد. این برنامه، از سوی تلویزیون سوئیس پخش می‌شد (بزم /هریمن، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۵۰). از سوی دیگر، به مناسبت جشن‌های شاهنشاهی ایران، بنگاه انتشارات مینروا^۱ در ژنو به تهیه کتابی درباره «پارس قدیم» دست زد که به سه زبان آلمانی، انگلیسی، و فرانسه منتشر شد (مجله خوانانی‌ها، ۱۳۵۰، ش ۲، ص ۳۳). در انگلستان «سمینار ایران» به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی برگزار شد (روزنامه جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰، ش ۶۲، ص ۸). در شهر کندهال انگلستان، نخستین نمایشگاه

1. Pierre Barde
2. Minerva Press

بزرگداشت جشن‌های شاهنشاهی ایران به مدت شش هفته در موزهٔ اموت هال^۱ دایر شد (مجلهٔ خواندنی‌ها، ۱۳۵۰، ش ۳، ص ۳۳).

در اسپانیا، نمایشگاه‌های هنر ایران و تمبر یادبود برگزار، و کتاب‌ها و نشریات علمی منتشر شد. تلویزیون اسپانیا فیلم «ایران» را تهیه کرد. یکی از میادین بزرگ مادرید به نام محمدرضا پهلوی نام‌گذاری شد. در استرالیا نیز نمایشگاه‌های آثار باستانی ایران دایر شد. دانشگاه ملبورن در باب «تأثیر ایران در مذهب و تمدن یهود» در ۲۴ تیر ۱۳۵۰ سخنرانی‌های علمی برپا کرد. نمونهٔ کتیبهٔ استوانهٔ کوروش نیز در موزهٔ باستان‌شناسی ملبورن نصب شد (روزنامهٔ جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰، ش ۶۳، ص ۴).

در ژاپن، نمایشگاه آثار هنری ایران در دوره‌های باستان با حضور برادر شاهزاده میکاسا، که ریاست عالیتهٔ کمیتهٔ جشن‌ها در ژاپن را نیز برعهده داشت، افتتاح شد (روزنامهٔ جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰، ش ۶۰، ص ۸). کنگرهٔ بزرگ تاریخ و فرهنگ ایران در نینگراد شوروی برگزار شد (روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۵۰، ش ۱۳۶۱۱، ص ۱). ریاست این کنگره برعهدهٔ شجاع‌الدین شفا بود. در شهر میلان ایتالیا، نمایشگاه فرش کهن ایرانی برپا گردید (روزنامهٔ فرمان، ۱۳۵۰، ش ۵۳۴۶، ص ۱). روزنامهٔ ایل مساجرو^۲ چاپ رم، ضمن گزارشی در باب جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و انتشار اسامی رهبران جهان در جشن‌ها، به نقش مؤثر ایتالیا و مراکز فرهنگی و باستان‌شناسی این کشور در حفاری‌های تخت جمشید اشاره کرد (روزنامهٔ فرمان، ش ۵۳۴۱، ص ۵).

قابل ذکر است که به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، وزارت فرهنگ و هنر و شورای فرهنگی بریتانیا نمایشگاهی از سهم بریتانیا در مطالعات ایران‌شناسی با همکاری مؤسسهٔ ایران‌شناسی بریتانیا در تهران برگزار کرد که در ۲۷ مهر ۱۳۵۰ در موزهٔ ایران باستان گشایش یافت. در این نمایشگاه چهار تن از دانشمندان انگلیسی حضور داشتند: بازل گری^۳، رئیس بخش شرقی موزهٔ بریتانیا در لندن؛ پروفیسور بویل، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه منچستر؛ لاکهارت، نویسندهٔ چند کتاب تاریخی دربارهٔ ایران؛ الویل ساتن^۴ معلم زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ادینبورگ (صدیق، ۲۵۳۶، صص ۵۶-۵۷).

حکومت پهلوی برای این همه اقدامات تبلیغی هزینهٔ گزافی را متحمل شد. در واقع، با برگزاری این جشن‌ها و صرف هزینه‌های بسیار جهت برگزاری مناسب آن و تبلیغات و فعالیت‌های خارجی مربوط به آن «فاصلهٔ بین تودهٔ مردم و گروه ممتاز مشخص‌تر گردید» (Martin, 2000, p. 24).

1. Amott Hall Museum
2. El Mensajero
3. Basil Gary
4. Elwell Sutton

کسب وجههٔ بین‌المللی و ژاندارمی منطقه

یکی از اهداف مهم برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله تحقق جلب حمایت خارجیان برای



حکومت پهلوی بود (فاروقی، ۱۳۵۸، ص ۴۰). در واقع، شاه، از طریق برگزاری این مراسم، به جهانیان اعلام کرد که ایران به خانواده ملل مدرن جهان پیوسته است و در این بخش از جهان، نقش ایجادکننده ثبات را ایفا خواهد کرد (ایران در بند، ۱۳۶۹، ص ۵). لازم به توضیح است که سال‌های مربوط به برگزاری و تدارک جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی، با خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس و بازگشت آنان از این منطقه همزمان شده بود؛ لذا مسئله تأمین امنیت خلیج فارس باید بر عهده یکی از کشورهای منطقه قرار می‌گرفت (Hambly, 1991, PP. 284-285). در این بین نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا، دکترین خود را اعلام کرده بود. طبق دکترین نیکسون از این پس وظایفی را که قبلاً آمریکا شخصاً در مناطق استراتژیک در جهت تأمین امنیت انجام می‌داد، بر عهده متحدهی قرار می‌گرفت که توانایی انجام چنین طرحی را داشته باشد و نیز خود یکی از کشورهای همان منطقه استراتژیک به حساب آید (نجاتی، ۱۳۷۱، صص ۵۲۴-۵۲۶). در واقع، حکومت‌های دست‌نشانده آمریکا، باید تقویت گردند تا در آینده و در صورت بروز اتفاقات نامطلوب سهمی بیشتر از بار سنگینی را که آمریکا در گذشته به دوش کشیده است، متحمل گردند (ویرجینیا و دیگران، ۱۳۵۳، ص ۱۳۴). حکومت پهلوی به شدت خواستار رسیدن به این هدف بود که ایران را کشوری با ثبات که توانایی برعهده گرفتن نقش ژاندارمی منطقه را به‌خوبی و به نهایت درجه در خود می‌بیند معرفی کند. برپایی جشن ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی نیز برای رسیدن به همین هدف یعنی کسب وجهه بین‌المللی و نشان دادن ثبات و امنیت داخلی ایران صورت پذیرفت.

ماروین زونیس، معتقد است که باوجود کلیه انتقادهای داخلی و عیب‌جویی‌های خارجی، جشن‌های تخت‌جمشید بر منزلت بین‌المللی شاه افزود. این منزلت با دیدار پرزیدنت نیکسون و وزیر امور خارجه اش هنری کیسینجر از تهران در ماه مه ۱۹۷۲ / مهر ۱۳۵۱ تأیید خورد. نیکسون اعلام کرد که شاه می‌تواند انواع سلاح‌های موجود در سیستم سلاح‌های غیرهسته‌ای آمریکا را در آینده خریداری کند (زونیس، ۱۳۷۰، ص ۱۲۸). خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس که در سال ۱۹۷۱ / ۱۳۵۰ صورت پذیرفت، در واقع موقعیت ایران را در منطقه مشخص تر نمود. اقدامات ایران در باب گرفتن سه جزیره استراتژیک خلیج فارس و کنترل تنگه هرمز و نیز دخالت در موضوع جنگ ظفار تأییدی بر این ادعاست.

جیمز بیل نیز عقیده دارد که شاه در دهه ۱۹۷۰ به یکی از مشهورترین و با نفوذترین رهبران جهان تبدیل شده بود. وی، اغلب در تلویزیون آمریکا حاضر می‌شد و صدها مصاحبه با رسانه‌های گروهی بین‌المللی داشت. شاه با اطمینان اظهار نظر می‌کرد که کشورش به‌زودی یکی از پنج قدرت صنعتی در جهان خواهد شد (بیل، ۱۳۷۱، ص ۳۱۱). به‌طور کلی، می‌توان گفت

۱. در این کتاب به صورت مشروح در باب دکترین نیکسون، اهداف و چگونگی اجرای آن بحث شده است. علاقه‌مندان به این مبحث، می‌توانند به این کتاب رجوع کنند.

که جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی با دعوت از سران کشورها و نشان دادن امنیت و آرامش کشور به رهبران دنیا توانست شاه را به یکی از اهداف خود که همانا ژاندارمی منطقه بود، برساند. البته در این کار حمایت‌های ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر را نباید نادیده گرفت.

اقدامات دانشجویان خارج از کشور

در حالی که روزنامه اطلاعات در ۱۳ مهر ۱۳۵۰ از ورود نخستین گروه دانشجویان خارجی مقیم آمریکا به ایران به وسیله «هما» برای شرکت در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی خبر می‌دهد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۰، ش ۱۳۶۱۵، ص ۱۶)؛ در سندی در مورد دانشجویان ایرانی خارج از کشور آمده است که بیشتر آنها مخالف برگزاری جشن‌های شاهنشاهی می‌باشند و اهم اقدامات آنها بدین شرح است: انتشار ماهنامه، جزوه، بخشنامه و همچنین اظهارات دبیر کنفدراسیون و اعضای وابسته به آن علیه جشن‌ها؛ ضمناً در نظر دارند با شروع جشن‌ها اقداماتی در زمینه تظاهرات در واشنگتن، برلین غربی، مونیخ، و نیز ترتیب نمایشگاه عکس مصدومین در نیویورک و خرابکاری در نمایشگاه قالی‌های ایرانی هامبورگ به عمل آورند (مراسان، ۱۷-۱۲۰۸۱، ص ۲۶). علاوه بر این، از سوی دانشجویان، در اعتراض به توقیف سه نفر از آنها (دانشجویان ایرانی) در کانادا، تظاهراتی علیه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در مقابل سفارت ایران در واشنگتن صورت گرفت (مراسان، ۱-۲۱۱۷۶، صص ۴۲ - ۴۳).

در مهر ۱۳۵۰ / اکتبر ۱۹۷۱، همزمان با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، سرکنسولگری ایران را در سانفرانسیسکو با بمب با خاک یکسان کردند. حمله برای اعتراض به برگزاری جشن‌های شاهنشاهی بود (عدل، ۱۳۸۵، صص ۲۶۰-۲۶۱). کنفدراسیون محصل‌ها، به عنوان عامل انفجار این بمب معرفی شد. کنفدراسیون جهانی محصلان و دانشجویان ایرانی فعالیت‌های زیادی را در مبارزه با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی تدارک دیده بود. این کنفدراسیون، با تکیه بر وضع زندگی مردم در ایران، وضعیت بهداشت و فرهنگ، نارسایی اقتصادی و دامنه ترور و سرکوب مخالفان و مقایسه آنها با هزینه هنگفتی که به جشن‌ها اختصاص داده شده بود، به رویارویی با حکومت پهلوی پرداخت. تبلیغ مبارزات مردم و ضرورت روشنگری پیرامون سیاستی که به باور کنفدراسیون، حکومت پهلوی در تحریف تاریخ ایران در پیش گرفته بود، جنبه دیگری از رویارویی آن سازمان را با حکومت ایران تشکیل می‌داد. کنفدراسیون، برای پیشبرد این سیاست، برنامه‌ای را در چهار مرحله سازمان داد. نخستین مرحله تبلیغ ضرورت و اهمیت مبارزه با جشن‌ها در بین دانشجویان خارج از کشور بود. دومین مرحله، تدارک برنامه‌هایی بود که افشای حکومت و مخالفت با برگزاری

جشن‌ها را مد نظر داشت. کنفدراسیون، در این مرحله، با برگزاری جلسه‌های بحث و سخنرانی، نمایشگاه‌های عکس، پخش اعلامیه، تهیه آمار و اسناد، نمایش تئاتر و برنامه‌های هنری فعالیت‌های خود را پیش می‌برد. سومین مرحله، آغاز برنامه مرکزی کنفدراسیون در سطح جهانی بود که همزمان با برگزاری جشن‌ها، با انجام تظاهرات، تشکیل نشست‌ها و کنفرانس‌های متعدد در شهرهای بزرگ جهان به اوج خود رسید. آخرین مرحله، برنامه‌های دفاعی و گسترش مبارزه در حمایت از زندانیان سیاسی ایران بود (شوکت، ۱۳۷۸، صص ۳۳۱-۳۳۳).

یکی از اقدامات اصلی کنفدراسیون در مخالفت با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، کوشش برای تحریم آن بود. منوچهر حامدی، دبیر تشکیلات و امور دفاعی سازمان، پیشنهاد تهیه فهرستی از مهمانان جشن را عنوان کرد تا از همه آنها خواسته شود که جشن‌ها را محکوم نمایند و از شرکت در آن خودداری ورزند. کنفدراسیون، بر همین پایه، دست به تهیه فراخوانی برای تحریم جشن‌ها زد. این فراخوان به امضای شماری از شخصیت‌های برجسته اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جهان رسید. گونار میردال، برنده جایزه نوبل جزء امضاکنندگان بود. نام «پیر ژاله» روشنفکر معروف فرانسوی؛ سیمون دوبوار، نویسنده برجسته؛ و ژان پل سارتر فیلسوف فرانسوی؛ آلبرتو مورایا، نویسنده ایتالیایی؛ ملینا مرکوری، هنرپیشه؛ و میکس تئودوراکیس، آهنگساز یونانی نیز جزء امضاکنندگان بودند. علاوه بر آنها، چند رهبر سندیکا‌های کارگری در انگلستان و شماری از وکلای مجلس عوام آن کشور، شماری از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست و سوسیالیست ایتالیا، و چند نماینده مجلس و رئیس رادیو و تلویزیون آن کشور به جمع امضاکنندگان پیوستند. این فراخوان سبب شد تا مقاله‌هایی در باب وضعیت ایران توسط مطبوعات پرتیراژ اروپایی و آمریکایی تهیه شود و نیز کمیته‌های ضد جشن و گروه‌های همبستگی با مردم ایران در کشورهای اسکاندیناوی، آلمان غربی، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، و آمریکا تشکیل گردد. یکی دیگر از کسانی که فراخوان را امضا نمود، پرفسور کارستن کولپه، استاد کرسی ایران‌شناسی و تاریخ ادیان در دانشگاه آزاد برلن غربی بود. او نامه مفصلی به سفارت شاهنشاهی ایران در آلمان نوشت. در آن نامه به بررسی جوانب گوناگون رفتار مستبدانه حکومت ایران با مخالفان حکومت پرداخته و ضمن محکوم کردن فعالیت‌های ساواک، از دولت ایران خواستار تجدید نظر در رفتار خود با اپوزیسیون شده است و خاطر نشان کرد که خواهد کوشید تا حتی المقدور افراد زیادی از شرکت در این جشن‌ها خودداری ورزند (شوکت، ۱۳۷۸، صص ۳۳۳-۳۳۷).

کنفدراسیون، همزمان با برگزاری جشن‌ها، فعالیت‌های خود را گسترش بخشید. در آلمان غربی به تظاهرات مرکزی در فرانکفورت دست زدند و غرفه‌ای برای نمایش کتاب‌های

1. Pierre Jalec
2. Mikis Theodorakis



سانسور شده در ایران، در نمایشگاه بین‌المللی کتاب در فرانکفورت تشکیل دادند. کنفرانس مطبوعاتی بزرگی، با شرکت معاون مجلس سنای ایتالیا در رم تشکیل گردید. در آمریکا نیز چهار مصاحبه تلویزیونی انجام شد و در ۲۶ دانشگاه آن کشور نمایشگاه عکس برپا گردید. تظاهراتی نیز در ۲۳ مهر ۱۳۵۰ در بالتیمور، واشنگتن، و سانفرانسیسکو برگزار شد. کنفدراسیون، علاوه بر انتشار فراخوان تحریم جشن‌ها، طی ارسال نامه و تلگراف به سران دولت‌ها و رهبران کشورهای جهان، از آنها درخواست کرد تا از شرکت در برنامه جشن رژیم خودداری ورزند (شوکت، ۱۳۷۸، صص ۳۳۷ - ۳۳۸).

به‌طور کلی، می‌توان گفت اقدامات کنفدراسیون در تحریم جشن‌ها، شماری از شخصیت‌های علمی و فرهنگی دنیا را بر آن داشت تا از شرکت در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی سر باز زنند. با گسترش دامنه فعالیت‌های افشاگرانه کنفدراسیون در بسیج افکار عمومی در اروپا و آمریکا، شماری از رهبران جهان نیز از شرکت در جشن‌ها خودداری کردند. آنها، هر یک دلیل عدم شرکت خود را در آن ضیافت شاهانه به توضیحاتی آراستند که یا جنبه کاملاً خصوصی داشت یا حکایت از گرفتاری‌های حزبی و دولتی می‌کرد. به‌هر حال، کنفدراسیون عدم شرکت ملکه انگلستان و ملکه هلند، پادشاه نروژ و پادشاه سوئد و نیز پنج رئیس جمهور شامل هاینه‌من از آلمان غربی، پمپیدو از فرانسه، ساراگات از ایتالیا، یوناس از اتریش و سرانجام نیکسون از آمریکا را در جشن‌های شاهنشاهی نشانه موفقیت خود در تحریم جشن‌های ۲۵۰۰ ساله ارزیابی کرد. به‌گونه‌ای که برای مثال تلاش‌های سپهد ریاحی جهت جلب موافقت ملکه هلند به‌منظور شرکت در جشن‌ها ناکام ماند (متما، ش ۴-۳۲۱۵-۱۱۳، صص ۱-۲).

دیدگاه مثبت جراید و سران کشورها به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

روزنامه‌ها و مجلات زیادی در خارج از ایران به تمجید از برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله پرداختند. روزنامه «داوار»^۱ اسرائیل، در ۲۲ مرداد ۱۳۵۰، همراه با ستایش از جشن‌ها و بازگو کردن گوشه‌هایی از آذین‌بندی‌ها، چراغانی‌ها، و زرق و برق‌های خیره‌کننده شادی و خرسندی خود را از باستان‌گرایی حکومت پهلوی ابراز نمود. روزنامه «آرتس اسرائیل»^۲ نیز در ۲۷ مرداد ۱۳۵۰، برگزاری این جشن‌ها را مناسب دانست؛ زیرا از دیدگاه این روزنامه طرح‌های اصلاحی اجتماعی و توسعه اقتصادی به‌صورت رضایت‌بخش پیشرفت نموده و مخارج فوق‌العاده این جشن‌ها بر خزانه کشور فشار سنگینی وارد نخواهد ساخت (روحانی، ۱۳۷۲، ص ۵۸۹). روزنامه «اورلندو سنتینل» با اشاره به برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله تصریح کرد که محمدرضاشاه با استفاده از درآمد نفت ایران را به طرف

1. Davar

2. Haaretz



کشوری متمدن تر و بدون ترس سوق داده است (مراسان، ۱-۲۱۱۷۶، ص ۵۹). روزنامه لوس آنجلس تایمز نیز نوشت که جشن ۲۵۰۰ ساله جنبش زیادی در ایران ایجاد کرده است؛ از جمله ساختن هتل، جاده، و پارک‌های جدید و نیز استادیوم صد هزار نفری آریامهر در تهران (مراسان، ۳۱۲۹، ص ۹۵).

فارغ از اینکه مطبوعات خارجی گاه در چارچوب افکار و اندیشه‌های خود به تمجید از برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله می‌پرداختند، حکومت پهلوی نیز با دادن کمک‌های مالی به مطبوعات خارجی آنها را به فعالیت مثبت درباره موضوع جشن‌های شاهنشاهی وامی‌داشت. برای مثال، مبلغ ۸۰/۰۰۰ مارک به مجله دی‌ولت، چاپ آلمان، پرداخت شد تا «یک شماره مخصوص همزمان با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله منتشر نموده و چهارصد هزار نسخه از آن را مؤسسه «آکی» به مبلغ ۳۷/۰۰۰ مارک پیش‌خرید و به رایگان در آلمان توزیع نماید» (بزم اهریمن، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۸۴).

در روزنامه‌های دولتی و ویژه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، صفحه‌هایی مختص دیدگاه‌های مطبوعات خارجی وجود داشت که اغلب به تمجید از جشن‌ها می‌پرداختند. به نقل از روزنامه اطلاعات، خبرنگاران خارجی هنگام تهیه گزارش‌هایی از مراسم پاسارگاد تأکید می‌کردند که جهان تاکنون مراسمی به این عظمت ندیده است و شاید قرن‌ها بگذرد و چنین مراسمی برپا نشود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۰، ش ۱۳۶۲۱، ص ۵). روزنامه الاردن، چاپ امان با عنوان «ملت ایران نسبت به برگزاری جشن ۲۵۰۰ ساله احساسات پرشوری نشان می‌دهند» به تفصیل در باب نقش جهانی محمدرضا و اقدامات مؤثر او در زمینه مبارزه با ارباب رعیتی و بی‌سوادی پرداخت (روزنامه کیهان، ۱۳۵۰، ش ۸۴۶۷، ص ۱۴). روزنامه‌های تایمز و لوموند ضمیمه مخصوص به مناسبت جشن‌ها منتشر کردند، به نقل از این روزنامه‌ها جشن‌های شاهنشاهی نشان می‌دهد که سلطنت جزء جدایی‌ناپذیر وجود ایران است (روزنامه کیهان، ۱۳۵۰، ش ۸۴۷۴، ص ۴۹). هفته‌نامه ساندی تلگراف چاپ لندن اینگونه نوشت که ابتکار شاهنشاه ایران در برپایی جشن‌ها سبب خواهد شد که یکی از بزرگ‌ترین کنفرانس‌های عالی تاریخ دیپلماسی جهان در ایران تشکیل شود (روزنامه کیهان، ۱۳۵۰، ش ۸۴۷۲، ص ۱۶). خبرگزاری فرانسه نیز در تفسیر خود تصریح کرد که اردوگاه تخت جمشید وسعت دوستی‌های ایران را نمایش داد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۰، ش ۸۴۷۸، ص ۳۹). دیلی میل چاپ انگلستان نوشت که جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران آیین‌های تمام‌نما از یکی از اصیل‌ترین تمدن‌های بشر خواهد بود (مجله خواندنی‌ها، ش ۲، ص ۳۲). روزنامه هامبورگ آبندبالات چاپ آلمان غربی نوشت که نظیر چنین جشنی باشکوه تا امروز در جهان سابقه نداشته است و بدون تردید در آینده هم نیز نظیر آن دیده نخواهد شد و این یک واقعیت



محض است (مجله خواندنی‌ها، ش ۷، ص ۳۱).

مشابه این تمجیدها، به صورت بسیار گسترده در روزنامه‌های دولتی و به نقل از مطبوعات خارجی نگاشته می‌شد. روزنامه آیدگان از تجلیل مجمع عمومی سازمان ملل از جشن‌های شاهنشاهی خبر داد (روزنامه آیدگان، ش ۱۱۵۹، ص ۱). علاوه بر این، برخی از سران کشورها به تمجید از جشن‌ها پرداختند. ریچارد نیکسون، رئیس جمهور آمریکا، در بازدید از ایران در سال ۱۳۵۱، تصریح کرد که «ما به شما دین زیادی داریم» به خاطر تاریخی که ممکن است به شش هزار سال پیش برگردد و «حال که ما از این اتاق و از میان این جمع درباره آنچه که هنوز هم آن رادنیای نو می‌خوانند صحبت می‌کنیم، شایسته است که از میراث پرشکوه دنیای قدیم سپاسگزاری کنیم و به آن احترام بگذاریم» (وحیدنیا، ۱۳۵۱، ص ۲۷).

در کتاب نخستین سالگرد جشن دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران، برخی رهبران و شخصیت‌های بزرگ دنیا در باب جشن‌ها نظرات مثبتی را ذکر کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. انورسادات، رئیس جمهور مصر گفت: «ما هم پای شما جشن می‌گیریم، زیرا تمدن کهنسال شما را تمدن خود می‌دانیم». مارشال تیتو اظهار داشت: «اجتماع تخت جمشید از یک جنگ حتمی جلوگیری کرد». نیکلای چائوشسکی، رئیس جمهور رومانی تصریح کرد: «دیدار تخت جمشید به نفع صلح جهانی است». آرنولد توین بی، نویسنده و مورخ معروف اظهار داشت: «تجارب شاهنشاهی ایران می‌تواند سرمشق بشریت باشد». وی‌وی گیری، رئیس جمهور هندوستان گفت: «ترقیات و نقش ایران در توسعه تفاهم و صلح بین‌المللی مرا تحت تأثیر قرار داد». نیکلای پادگورنی تصریح کرد: «خط مشی ایران استوار و صحیح است. هایل سلاسی، امپراتور اتیوپی، تأکید کرد: «جشن شاهنشاهی ایران نشان داد که تمدن ایران تا چه حد به تمدن جهان کمک کرده است» (نخستین سالگرد جشن دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۱، صص ۱۳ - ۱۴).

علاوه بر این، برخی رهبران کشورهای خارجی از مدت‌ها پیش از برگزاری جشن‌ها در باب آن نطق‌هایی داشته‌اند که به سه مورد آن اشاره می‌شود. الیزابت دوم، ملکه انگلستان، در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۸ خطاب به شاه ایران چنین گفته بود: «سنن و فرهنگ سرزمین تاریخی شما از دیرباز مورد ستایش ما بوده است و بهترین نماینده این سنن باستانی، جشن قریب‌الوقوع دو هزار و پانصدمین سال سلطنت شاهنشاهی در ایران است» (میرخلف‌زاده، ۲۵۳۵، ص ۴۲) بودوئن، پادشاه بلژیک، در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۹، در نطقی خطاب به محمدرضا اظهار داشت: «کشور شما به زودی یادبود دو هزار و پانصدمین سال بنیاد شاهنشاهی خود را جشن خواهد گرفت، چنین یادبودی واقعاً با شکوه و بزرگ است». (میرخلف‌زاده، ۲۵۳۵، ص ۴۴). وی در ادامه نطق از صمیم قلب سعادت روز افزون کشور زیبا و ملت نجیبی را که



سابقه تاریخی بزرگی دارد، آرزو کرده است. رئیس جمهور اتریش نیز خطاب به شاه اظهار داشت که از دو هزار و پانصد سال پیش، در ایران فلسفه حکومتی تازه‌ای پایه‌گذاری شد که حتی امروز نیز باید آن را در تمام جهان سرمشقی بسیار عالی و شایان ستایش شمرد، «اساس این روش مملکت‌داری بر پایه آزاد منشی و دادگستری و احترام به معتقدات افراد و احترام از اعمال زور در مورد زیردستان است» (میرخلف زاده، ۲۵۳۵، ص ۴۴).

نگاه منفی و انتقادی جراید و سران کشورهای خارجی به جشن‌ها

با وجود تعریف و تمجید فراوان از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در مطبوعات دنیا، برخی روزنامه‌ها نیز گاه و بی‌گاه مقاله‌هایی در نکوهش از این جشن‌ها پراکنده می‌ساختند و زبان‌های آن را مورد بررسی قرار می‌دادند. به‌گونه‌ای که پس از پایان جشن شاهنشاهی، تعدادی از آن خبرنگاران خارجی از مناطق جنوب تهران و زاغه‌های اطراف آن فیلم‌برداری کرده و به کشور خود بردند. آنها این فیلم‌ها را با صحنه‌هایی از ضیافت‌های پر شکوه شاه در تخت جمشید با مهارت «مونتاز» نموده، در رسانه‌های خبری جهان منعکس کردند. اغلب آنها در تفسیرهای خود هزینه‌های سرسام‌آور جشن‌های شاهنشاهی را «غیر ضروری» و حتی «زیان‌بخش به حال جامعه ایران» معرفی نمودند (مازند، ۱۳۷۳، ص ۵۴۱).

برای ایرانیانی که در فرانسه زندگی می‌کردند و مطبوعات این کشور را می‌خواندند، سخریه‌های مردم اروپا راجع به این جشن‌ها که با اشکال مختلف کاریکاتور، طنز، اشاره به فقر اقتصادی ایران، کنایه از تحریم ملت از حضور به این جشن‌ها، بیان ندانم‌کاری‌ها و بی‌سلیقگی‌ها در تزئین چادرها و آویختن چادرهای پلاستیکی در روزنامه‌ها و نشریاتشان عرضه و ارائه می‌شد، سخت خجالت‌آور بود (دولت‌شاه فیروز، ۱۹۹۰، ص ۴۷۵).

طبق اسناد باقی‌مانده، نمایندگی ساواک در سانفرانسیسکو گزارش می‌دهد که در مطبوعات و تلویزیون آمریکا در باب جشن‌ها و مخارج گزاف آن اخبار و نظریه‌های ضد و نقیضی وجود داشت که تأثیر نامطلوبی بر افکار عمومی ایرانیان مقیم آمریکا می‌نهاد (مراسان، ۱-۲۱۱۷۶، ص ۱۵). رادیو پیک ایران نیز تأکید کرد که مردم ایران مایل به فروش گلیم زیر پای خود و صرف آن در راه برگزاری جشن نیستند. چراکه از دیدگاه این رادیو این جشن‌ها تجلیلی از شاهان ایران بود و نه مردم ایران (مراسان، ۶-۱۲۰۸۱، ص ۱۷۰). طبق سند دیگری، روزنامه اسپوار چاپ فرانسه در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۵۰ مقاله‌ای با عنوان «دامنه خشونت در ایران افزایش می‌یابد» منتشر نمود و در آن به امکان وقوع اقدامات خرابکارانه از سوی مخالفان جشن‌های شاهنشاهی در حین برگزاری جشن‌ها به طرق مختلف از قبیل ایجاد ناامنی، سوء قصد، و ایجاد حریق اشاره کرده است (مراسان، ۶-۱۲۰۸۱، ص ۸۵).



روزنامه‌تریبون ناسیون پاریس با عنوان «آتش‌بازی در تخت جمشید»، با بیان هزینه‌های چند صد میلیون دلاری جشن‌ها اضافه کرد که سازنده این تاریخ، ملت ایران است، ولی او را حتی به عنوان کمک‌آشپز هم دعوت نکرده‌اند. روزنامه‌ایونینگ هرالده تصریح کرد که دربار ایران در کنار خرابه‌های تخت جمشید میلیاردها دلار پول ریخته است، درحالی‌که من [خبرنگار این روزنامه] در راه تهران و اصفهان روستاهای بسیاری را دیدم که در فقر غوطه‌ور بودند، من مردمی را دیدم بیمار، خسته و بی‌کار. روزنامه‌دیلی رکورد چاپ انگلستان در ۲۸ مهر ۱۳۵۰ چنین نوشت که شهرت آشپزهای ایرانی از مرز و بوم این کشور گذشته است. هیچ خارجی‌ای نیست که یکبار غذای ایرانی را نچشیده و با تحسین از آن یاد نکرده باشد. پس چرا میلیون‌ها دلار به رستوران ماکسیم پول دادند که حتی سالاد گوجه‌فرنگی را از فرانسه وارد کند؟ (روحانی، ۱۳۷۲، صص ۵۸۶-۵۹۲).

نشریه ۱۶ آذر، ارگان کنفدراسیون جهانی محصلان و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، با عنوان «جشن دو هزار و پانصد ساله یا جواهر آویزان کردن کوروش صغیر و تخت لרزان او» این جشن‌ها را «مضحکه پر زرق و برق کبیر ساختن یک صغیر» قلمداد کرد. مجله‌اشپیگل چاپ آلمان غربی نیز در برخی مقالات خود جشن‌های شاهنشاهی را مضر دانست (بزم/هریمن، ۱۳۷۸، ج ۴، صص ۱۵۹ و ۳۵۷).

جرج بال، از شخصیت‌های معروف آمریکایی نیز درباره جشن‌ها اظهار داشت که این مراسم هم با شکوه و هم ناراحت‌کننده بود. چیزی که ما را ناراحت کرد این بود که هیچ نشانی از سنن اسلامی در آن دیده نمی‌شد (الموتی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۰). اینگونه انتقادها اسباب خشم محمدرضا شاه را فراهم می‌آورد. وی، در مصاحبه با خبرنگار روزنامه‌لوموند گفت: اینها دیگر چه گله و شکایتی دارند؟ ما برای برخی از سران کشورها و مهمانان دو بار ضیافت و مهمانی برگزار کردیم (نجاتی، ۱۳۷۱، ص ۳۵۰). شاه، در مصاحبه با همین روزنامه، ژرژ پمپیدو، ژان پل سارتر، سازمان‌الفتح، و عراق را دیوانه‌وار مورد هجوم قرار داد و مرجع شیعه آیت‌الله خمینی را به خیانت متهم ساخت (روحانی، ۱۳۷۲، ص ۵۹۳). این افراد و گروه‌ها همه به نوعی جشن‌های شاهنشاهی را مورد انتقاد قرار داده بودند.

نتیجه‌گیری

برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در بیش از ۵۰ کشور جهان، کمیته کوروش کبیر به ریاست سران کشورها تشکیل شد که تعداد اعضای آنها به بیش از ۱۵۰۰ نفر می‌رسید. در باب کارهای انجام شده در کشورهای مختلف، می‌توان به این موارد اشاره کرد: برپایی بیش از ۱۴۰ نمایشگاه هنر ایران و کتاب‌ها و اسناد خطی، ۳۰۰ کنگره، سمینار، سمپوزیوم



و...، چاپ ۱۳۰ کتاب ویژه به زبان‌های مختلف، انتشار بیش از یکصد شماره مجلات علمی و خاورشناسی، انتشار تمبرهای مخصوص، نام‌گذاری میادین و خیابان‌ها، شرکت بیش از ۵۰۰ دانشگاه و فرهنگستان در این بزرگداشت، و شرکت کمیسیون‌های ملی یونسکو در بیش از ۱۲۰ کشور جهان به‌منظور شرکت وسیع جهانی در تجلیل از فرهنگ ایران.

در بعد خارجی، بازتاب جشن‌ها دو روی متفاوت داشت. از یک‌طرف برخی جراید و سران و رهبران کشورها به تعریف و تمجید از جشن‌ها پرداختند و از طرفی، برخی دیگر از جراید و سران کشورها به انتقاد از آن دست زدند. در این راستا دانشجویان خارج از کشور نیز از طریق «کنفدراسیون جهانی محصلان و دانشجویان ایرانی» به مبارزات عدیده‌ای با جشن‌ها پرداختند. اقدامات کنفدراسیون در تحریم جشن‌ها، شماری از شخصیت‌های علمی و فرهنگی دنیا را بر آن داشت تا از شرکت در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی سر باز زنند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که با وجود انتقادهای داخلی و عیب‌جویی‌های خارجی، جشن‌های تخت‌جمشید بر منزلت بین‌المللی شاه افزود. این منزلت با دیدار پریزیدنت نیکسون و وزیر امور خارجه‌اش هنری کیسینجر از تهران در سال ۱۳۵۱/۱۹۷۲ مهر تأیید خورد. جشن‌های شاهنشاهی با دعوت از سران کشورها و نشان دادن امنیت و آرامش کشور به رهبران دنیا توانست شاه را به یکی از اهداف خود که همانا ژاندارمی منطقه بود، برساند. البته در این کار حمایت‌های ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر را نباید نادیده گرفت.

منبع

- «اعلامیه حقوق بشر» (۱۳۸۰، فروردین). ماهنامه حافظ، ۱۳.
- ایران در بند (۱۳۶۹). (ج ۶). تهران: مرکز اسناد لانه جاسوسی آمریکا.
- برودین، ویرجینیا و دیگران (۱۳۵۳). راز آشکار (دکترین نیکسون - کیسینجر در آسیا). (مهدی تقوی و عبدالله کوشی، مترجمان). تهران: توس.
- بزم اهریمن (۱۳۷۷). (ج ۲). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- (۱۳۷۸). (ج ۴). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- پاشا صالح، علی (۲۵۳۵). پیوندهای فرهنگی ایران و آمریکا. تهران: دبیرخانه ملی دوستمین سال انقلاب آمریکا.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱). عقاب و شیر (ج ۱). (مهنوش غلامی، مترجم). تهران: نشر کوبه.
- دولت‌شاه فیروز، مهین (۱۹۹۰). زندگی شاهزاده مظفر فیروز میرزا. پاریس: ..
- روحانی، سیدحمید (۱۳۷۲). نهضت امام خمینی (ره) (ج ۳). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰). شکست شاهانه، روانشناسی شخصیت شاه (عباس مخبر، مترجم). تهران: طرح نو.
- شوکت، حمید (۱۳۷۸). کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی). تهران: انتشارات عطایی.

صدیق، عیسی (۲۵۳۶). *یادگار عمر* (ج ۴). تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
عدل، پرویز (۱۳۸۵). *خانهای ما در فیشر آباد (خاطرات پراکنده‌ی دکتر پرویز عدل)*. (شهریار ماکان، کوششگر). تهران: نشر البرز.
فاروقی، احمد و ژان. لوروریه (۱۳۵۸). *ایران بر ضد شاه* (مهدی نراقی، مترجم). تهران: چاپخانه سپهر.
فرهمنند، جلال (۱۳۸۲). زمستان: دیپلماسی درباری (اسنادی از حضور اشرف در سازمان ملل متحد). «*تاریخ معاصر ایران*»، (۴)۷.
مازند، یوسف (۱۳۷۳). *ایران ابر قدرت قرن* (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کوششگر). تهران: نشر البرز.
الموتی، مصطفی (۱۳۷۰). *ایران در عصر پهلوی* (ج ۱۰). لندن: چاپ پکا.
میرخلف زاده، حسین (۲۵۳۵). *سیری در تاریخ شاهنشاهی ایران*. تهران: اقبال.
نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی ۲۵ ساله‌ی ایران* (ج ۱). تهران: خدمات فرهنگی رسا.
نخستین سالگرد جشن دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران (۱۳۵۱). بی‌جا: بی‌نا.
وحیدنیا، سیف‌الله (۱۳۵۱، آذر). *خاطرات حضرت پرزیدنت نیکسون از ایران. خاطرات وحید*، ۱۴.

Hambly, Gavin R.G. (1991). "The Autocracy: Mohammad Reza shah 1941 – 1979", *The Cambridge History of Iran* (Vol 7). Cambridge: Cambridge University Press.

Martin, Vanessa (2000). *Creating An Islamic, Khomeini and the Making of a New Iran*, London. New York: I.B. Tauris & Coltd Publishers.

Suren-Pahlav, Shapour (1999). *Cyrus the great the father & liberator* from www.cais-soas.com

روزنامه *آیندگان* (۱۳۵۰، مهر)، شماره‌های ۱۱۵۴، ۱۱۵۹.

روزنامه *اطلاعات* (۱۳۵۰، مهر)، شماره‌های ۱۳۶۱۱، ۱۳۶۱۵، ۱۳۶۲۱.

روزنامه *جشن شاهنشاهی ایران* (۱۳۵۰، مهر)، شماره‌های ۶۰، ۶۲، ۶۳.

روزنامه *فرمان* (۱۳۵۰، مرداد و شهریور)، شماره‌های ۵۳۱۵، ۵۳۴۱، ۵۳۴۶.

روزنامه *کیهان* (۱۳۵۰، مهر)، شماره‌های ۸۴۸۱، ۸۴۶۷، ۸۴۷۵، ۸۴۷۴، ۸۴۷۸.

مجله *خواندنی‌ها* (۱۳۵۰، شهریور و مهر)، ۳۲، (۲، ۳، ۷).

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (مراسان): ش بازبایی ۲۸۵، کد پرونده ۱۷-۱۲۰۸۱؛ ش بازبایی ۲۶۷۰، کد پرونده

۱-۲۱۱۷۶، ۲۴/۷/۱۳۵۰؛ ش بازبایی ۲۷۴، کد پرونده ۶-۱۲۰۸۱، ۱۳۵۰/۳/۸؛ ش بازبایی ۲۶۷۰،

کد پرونده ۱-۲۱۱۷۶، ۸ آبان ۱۳۵۰؛ ش بازبایی ۳۱۲۹، ۲۲/۱۰/۱۳۴۸؛ ش بازبایی ۲۶۷۰، کد پرونده

۱-۲۱۱۷۶، ۲۱/۷/۱۳۵۰؛ ش بازبایی ۲۷۴، کد پرونده ۶-۱۲۰۸۱، ۱۳۵۰/۳/۱۳؛ ش بازبایی ۲۷۴، کد

پرونده ۶-۱۲۰۸۱، ۱۳۵۰/۳/۱.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما): ش ۴-۳۲۱۵-۱۱۳، ار، ۲۱/۱۱/۱۳۴۹؛ ش ۳-۴-۱۲۱، ش

۱۳۴۹/۱۲/۵؛ ش ۴-۱۹-۱۲۱، ش، ۱۹/۱۰/۱۳۴۰؛ ش ۲-۲-۱۷۱ الف، ۱۳۴۹/۳/۸.

